

بجای توافقنامه امنیتی

چاره دیگر!!

اگر حدودا به سی سال گذشته تاریخ سرزمین خود برگردیم ، در آن زمان هیچ کسی باور نمیکرد که سرنوشت این ملت در آینده نه چندان دور به این رسوائی بکشد ، البته این بدان معنی نیست که اوضاع و احوال کشور درسی سال قبل درست و دلخواه مردم مایوده است ، ولی آن حال و احوال با همه کمبودها و بدبختی هائیکه داشت یقینا به افتضاح و رسوائی امروز نبود.

امروز کشکول گدائی بنام این ملت همه جا رسید و از گبر و ترسا و یهود نصارا مومن کافر تقاضا شد که برای عمران و آبادی سرزمین ویران شده بنام افغانستان دست بجیب کنند و هرچه در توان دارند برای نجات مردم فلاکت زده افغانستان کمک و خیرات بنمایند بیچاره مردم دینا با خوشباوری زیاد برای گردآوری خیرات و صدقات کنفرانس های متعدد بنام کنفرانس لندن و تو کیو بن و... برگزار نمودند ،

هیأت افغانی بشمول وزرا و کابینه کرزی برای حضور در کنفرانس گدائی و کنفرانس رسوائی مردم افغانستان چنان با سروقیافه های شیک و آرایش شده حاضر می شدند که گویا برای گرفتن طلب و قرض خودشان از مردم جهان حضور یافته اند ...

پول های کلان و قابل توجه هم داده شد ولی فساد دستگاه حاکم و حکومت بی مایه کرزی چنان بی داد کرد که بخش اعظم آن همه پولها به جیب خائنین و دزدان بی شرف و بی وجدان افتاد که برای خودشان در داخل و خارج کشور سرمایه گذاری کردند، امروز بعد از یازده سال حکومت کرزی فاصله بسیار زیاد بین اقلیت دزد و فاسد حاکم و ابسته به کرزی و اکثریت مردم ناتوان و گرسنه و مریض موجود است ، اقلیتی که برای تفریح شب جمعه ها حد اقل به دبی و قطر میروند تا آلمان فرانسه و کانادا، اقلیتی که برای مداوای سردردی خودشان به دهلی و بیمارستان های مجهز آلمان و فرانسه تشریف میبرند و اکثریتی که توان رفتن به هیچ جا ندارند و با دعا و تعویذ ملا امام مسجد دلخوش میکنند که انشا الله سرطان خون شان را با چوف و کوف ملا مسجد شفا می یابد ... و هزاران درد و مصیبت و بدبختی دیگر که شمارش همه آنها مستوفی میخوهد...

امروز به بهانه دیموکراسی قدرت سیاسی و اقتصادی کشور در دست چند تن آدم بی سواد زورگو و خائن، دزد متمرکز گشته و هرکدام در منطقه و بخشی از کشور ما بصورت غول مافیائی زور و زر، سرنوشت مردم را در دست گرفتند و به عنوان

شخصت های جهادی ملی و مطرح در کشور اظهار وجود میکنند ، ساحه قدرت و نفوذ این آقاییون به حدی گسترش یافته است که اکثر تصامیم نهائی بجای مردم را ایشان اتخاذ میکنند.

این ستنگ غولها یکجا میشوند رهبر جمعیت اسلامی تعیین میکنند و برریش هرچه آدم باسواد روشنفکر و باوجدان در جمعیت اسلامی است می خنندند بیچاره بندگان صالح جمعیت اسلامی که از ترس خدا و از شرم مردم نه زد دیدند و حساب بانکی ندارند و یا اگر هم دارند خالیست از ناچاری و ناتوانی مجبور میشوند درکنار این غولدنگ ها با یستند و به عنوان تاکیدسرتکان دهند شمارا به خدا سوگند انتخاب صلاح الدین ربانی جوانک عیاش مست باده نوش به عنوان رهبر جمعیت اسلامی افغانستان و رئیس شورای صلح ، خود افتضاح در تاریخ مملکت نیست !؟

گذشته از اینها وقتی این غولهای بی رحم گرد هم می آیند و برای تامین منافع خود شان ، آدمکی را برای کاندیدای ریاست جمهوری تعیین میکنند باز هم نشان این است که این باند مافیای قدرت و ثروت از سر مردم ما دست بردار نیستند و میخواهند در آینده کشور حرف اول را بزنند وقتی کرزی به عنوان رئیس جمهور نمیتواند عطا مزاری معلمک سپورت را از ولایت مزار شریف تبدیل کند عبدالله عبدالله بیچاره که به هیچ گونه جرئت نمیکند که موضع تبدیلی ایشان را در خیال خودش بیاورد ، پس آمدن جناب عبدالله به عنوان رئیس جمهور آینده کشور به معنی حاکمیت مطلق عطا مزاری در مزار شریف است آنگاه بقیه زمین ها ئی که هنوز تصاصب نشده بدون قید و شرط در ملکیت ایشان د رمی آید و این غول بنام استاد عطا به عنوان خدای کوچک ولایات شمال تبدیل میشود بخصوص که بخت جنایتکار دیگری بنام دوستم در حال افول است و موازنه قدرت به نفع عطا در منطقه تغییر میکند عین همین داستان به صورت بد تر ش در کابل و پنجشیر شمالی و قندهار زیرا با پیروزی این ائتلاف همه قلدان زورگیر منطقه ، تحت الحمایه مارشال بیسواد پنجشیری به صحنه بر میگردند و دمار از روزگار مردم میکشند و باز هم عین همین داستان در هرات که اگر گفتار پیر استاد بزرگ به صحنه بیاید و بازار امیران، با فرهنگ فرسوده امارت و امیر صاحب دوباره احیا شود معلوم است که روزگار مردم هرات چه میشود !.

داستان گل آغا شیرزی به عنوان متحد کرزی و برادران شاه دزدش که باز هم میخواهند ریاست جمهوری را به عصر خانواده تیمورشاهی و فرزندان تبدیل کنند سر جایش باشد .

وقتی با مرور کوتاه بگذشته این ملت آنچنان و آینده اش این چنین دیده مشود که امیدی به بهبودی به حال و احوال مردم درد مند ما به نظر نمیرسد .

گروه های سیاسی و روشنفکران از چپی های مارکسیست گرفته تا اخوانی های مجاهد هر کدام به نحوی امتحان خودشان را دادند و جذابیت بیشتری بعد از این برای مردم ما ندارند البته پرروئی و بی حیائی افرادی مانند احمد شاه احمدزی که با وجود ملیونها دالر

دزدی و خیانت های افتابی باز هم حزب اقتدار اسلامی درست میکند و باز هم سخن از تشکیل حکومت اسلامی میگوید واقعا جرئت و بی حیائی احمدشاهی میخواهد!!

در نتیجه شکست سیاسی کمونست ها و اخوانی ها در کشور، غولهای گرسنه و زندانی از طویله خانه های بنام مدارس، در پاکستان که سالیان سال را بصورت زندانی در انزوا و توهین تحقیر به سر برده بودند، با تحریک و حمایت آی اس آی با خیال تاسیس امارت اسلامی وارد میدان شدند این غولهای گرسنه برای فروکش و تسکین درد توهین و تحقیر خود در گذشته هر جا آدم باوقار و باعزت و پاک و با نظافتی را دیدند بی درنگ دره زند و با بی رحمی به شلاق بستند، و با رعب و کشتار و قساوت و بی رحمی حاکمیت وحشیانه خود را بنام امارت اسلامی در بخش های از کشور تثبیت کردند و اکنون این غولان بی فرهنگ با زیر فشار قرار گرفتن بیشتر در میدان جنگ به جنون و جنایات بی سابقه دست میزنند و با انفجار در مناطق مسکونی و کشتار بیگناهان به فضای وحشت و جنایت در کشور می افزایند ...

اکنون که ایالات متحده آمریکا و متحدینش که میخواهند رفع تکلیف کنند و از کشور ما خارج شوند سرنوشت ملت و مردم ما بعد از خروج آنان به منزله کابوسی تبدیل شده است که مردم بیچاره و ناتوان ما را به شدت رنج میدهد که اگر بعد از خروج نیروهای بیگانه غولهای طالبی با حمایت پاکستان و القاعده بر مردم بیدفاع و بیچاره ما حمله کنند این بار زیر شلاق این جانیان سفاک و دد منش چه خواهند کرد بخصوص این بار که مقاومتی در کار نیست این بار ناموس مردم بیچاره به عنوان کنیز های به اسارت درآمده تقدیم نیروهای ازبک و چچن و عربی و پنجابی خواهد شد!! زیرا در آن روزگار این غولهای مافیائی قدرت و ثروت مزاری و پنجشیری و هزاره گی و هراتی دیگر حضوری نمی داشته باشند، اینبار تراکم سرمایه در داخل و خارج از کشور برای اینها اجازه نمیدهد که باز هم دست به سلاح ببرند و از مردم بیچاره و بدبخت ما دفاع کنند و مزید بر علت های دیگر

سوال اساسی اینجاست که چه باید کرد

آیا امضا موافقتنامه سیاسی با آمریکا میتواند مشکل ما را حل کند و یا اینکه امضا موافقتنامه امنیتی بیشتر برای تامین منافع آمریکا است تا منافع افغانها ، باید متوجه باشیم که همین اکنون ایالات متحده آمریکا با همه ساز و برگش در کشور ما حضور دارد ولی مشکل امنیت هم چنان سر جایش باقیست و هر روز مردم ما در خیابان های کابل قربانی بمب های طالبی میشوند پس راه چاره چیست!؟

باتوجه به بررسی مختصر از وضعیت کشور در شرائط گذشته و حال، ایجاب میکند که مجلس لویه جرگه بجای تصویب امضا موافقتنامه پیشنهاد الحاق کشور را بخاک ایالات متحده آمریکا به عنوان چندمین ایالت از ایالات متحده آمریکا در آسیا به دولت آمریکا پیشنهاد بنماید و استقلال کشور را برای یکصد سال آینده رسماً تعطیل اعلام کند

ایالات متحده هم بایزرگوار و مرحمت خویش الحاق این خطه از کره زمین بنام افغانستان را به امپراطوری یکه تاز دوران به عنوان یکی از ایالات خودش در آسیا بپذیرد و هر چند سال یک نما ینده و به اصطلاح گور جنرال خودش را به کابل اعزام کند عزل و نصب والی های کشور هم مستقیماً از جانب همان گور جنرال صورت بگیرد و همه چیز بصورت حساب شده از نقطه صفر آغاز گردد که اگر بعد از یکصد سال این کشور توانست سرپای خودش بایستد و از این وضعیت ناهنجار و رسوائی نجات یابد میتواند دوباره به عنوان کشور مستقل در صحنه جهانی عرض وجود کند . وگرنه شمارا به خدا این استقلالی که اکنون ماداریم که همه چیز ما بدست خارجی هاست بودجه ما را آنها تعیین میکند خوب و بد ما را آنها تعیین میکنند این استقلال چه بدردی میخورد خوب است نداشته باشیم استقلال عزت میخواید شرف میخواید اراده میخواید اینها را که الحمد لله سالها قبل از دست داده ایم حالا چرا بانامش خود مان را فریب میدهیم و با چیزیکه نداشته ایم دل خوش میکنیم

خوبی های این طرح ...:

وقتی چنین کاری شود و ایالات متحده آمریکا هم رسماً قبول کند اولاً از نظر سیاسی او ضاع تغییر می کند دیگر برای کرنیل امام ها و حیدر گل ها و جنرالهای پنجابی و کلا سازمان های جاسوسی کشورهای همسایه آسان نخواهد بود که به راحتی بادم شیر بازی کنند آنگاه تکلیف ملا عمر و ملا فضل الله و ایمن الظواهری و غیره هم معلوم میشود که ایشان چکاره اند و در کجا تشریف دارند و قبول کنید همان حمید گل با کستانی خودش همه آنها را به عنوان خوش خدمتی مرگ موش خواهد داد و منطقه را از شر این اشرا پاك خواهد ساخت ...

و اما در بعد داخلی:

دزدان افغانی غربی آمریکائی اروپائی هم که به عنوان کارشناس متخصص به افغانستان تشریف می آورند همراه با سائرمسئولین دولتی در صورتیکه بدانند که بعد از این برای ایالات متحده کار میکنند و تحت نظر مستقیم قرار دارند و شاید هم روزی مورد باز پرس قرار بگیرند به آسانی جرئت نخواهند کرد که این چنین بی رحمانه داری های ملت رابه غارت ببرند و از پول خیرات و خزانه خالی مردم بلند منزل و باغ ویلا د رکنار کوهپایه های خوش آب و هوای پنجشیر و پغمان بنا کنند که این خودد رمان بزرگترین درد از بدن بی رمق و نیمه جان مردم ما خواهد بود ولی اگر بازی آینده چنان باشد که تا کنون بوده اوضاع تغییری نخواهد کرد و مردم افغانستان قربانی اصلی این بازی تا آینده نامعلومی خواهند بود که نه تنها قربانی و مرگ و کشتار بلکه رسوائی های خطرناکی را در پیش خواهد داشت . والسلام